

نقش امنیت در استطاعت و وجوب حج

مهدی ساجدی*

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی «جایگاه امنیت در تحقق استطاعت و وجوب حج» است. تمام فقها امنیت یا همان خالی بودن مسیر از مانع (تخلیه السرب) را شرط لازم برای وجوب حج می‌دانند و تفاسیر متفاوتی از آنان درباره این شرط ارائه گردیده است؛ به گونه‌ای که تحقق این شرط (وجود امنیت) در قالب برخی مصادیق، شرط وجوب شمرده شده و مطابق با نظری دیگر، از باب مقدمه واجب، واجب شده است. ابهاماتی نظیر شرعی یا عقلی بودن مانع، خالی بودن مسیر از مانع، بالفعل یا بالقوه، موضوعیت داشتن مانع یا نداشتن آن و... سبب اختلاف تفاسیر فقها از این موضوع شده است؛ اما می‌توان گفت: تعبیر به کار رفته در اسناد شرعی مفسر و مبین استطاعت، در شرعی یا فعلی بودن این شرط ظهور دارند. بنابراین، زمانی مکلف مستطیع است که مسیر حج از هرگونه خطر و مانعی خالی باشد و اطمینان خاطر از برقراری امنیت محقق شود. در این صورت، تحقق بخشی به این شرط در قالب مطالبه همراهی محرم یا دفع دشمن به هر طریق، تحصیل شرط بوده و واجب نیست و چنانچه دولت عربستان هزینه تأمین امنیت زائران را مطالبه کند، پرداخت هزینه بر زائران واجب نیست؛ اما حاکم اسلامی از باب تأمین مصالح مسلمین، می‌تواند این وجه را از بیت‌المال پردازد.

کلمات کلیدی: حج، امنیت، استطاعت، مقدمات وجودی، اطمینان

روشن است که با تحقق استطاعت و فراهم شدن شرایط وجوب، فریضه حج بر عهده مکلف قرار می‌گیرد و وی موظف است به تهیه مقدمات سفر و اموری که انجام این فریضه را برای وی میسر می‌سازد، اقدام کند.

از شروط وجوب حج، که در کتب فقهی، مورد بحث و گفت‌وگو واقع شده، امنیت است. در کلمات فقها گفت‌وگو درباره این شرط را می‌توان ذیل عنوان «تخلیه السرب» (خالی بودن مسیر از مانع مانند دشمن) جست‌وجو کرد. همچنین آنان در بحث از وجوب یا عدم وجوب همراهی محرم با بانوی حج گزار در سفر حج و نیز دفع دشمنی که از طی طریق حجاج ممانعت می‌ورزد، به مناسبت، از امنیت و تخلیه السرب به عنوان شرط تحقق استطاعت، سخن گفته‌اند. از تتبع در کلمات فقها چنین به دست می‌آید که آنان به اتفاق، معتقدند خالی بودن مسیر از مانع (تخلیه السرب)، شرط وجوب حج است و اگر مسیر حج ناامن باشد و استطاعت سیلی و امکان پیمایش مسیر وجود نداشته باشد، حج واجب نیست. همچنین همه آنان معتقدند که تحصیل شرط واجب مشروط (مانند حج و تحصیل استطاعت)، وجوب ندارد؛ اما پس از تحقق استطاعت، مکلف باید به تهیه مقدمات بپردازد. روشن است وقتی از حکم برخی فروع مانند همراهی محرم با بانوی حج گزار یا دفع دشمن موجود در مسیر حج با پرداخت مال سخن به میان می‌آید و گفت‌وگو از تطبیق شرط تخلیه السرب بر مصادیق مورد اشاره صورت می‌پذیرد، آرای متفاوتی از فقها بروز و ظهور می‌یابد.

به نظر می‌رسد منشأ اختلاف آرای فقها در حکم این مصادیق را در ابهاماتی باشد جست‌وجو کرد که درباره این شرط وجود دارد و همین امر سبب شده است تا هر فقیهی تفسیری متفاوت با دیگری و در جهت رفع ابهام از آن ارائه کند. بنابراین، مناسب است قبل از هرگونه داوری و اظهار نظر، کلمات فقها در خصوص مصادیق شرط تخلیه السرب و تفاسیر ارائه شده از این شرط را بررسی کنیم.

بررسی و نقد کلمات فقها

شیخ طوسی رحمته الله علیه در کتاب *الجمل و العقود فی العبادات* (طوسی، ۱۳۸۷ش، ص ۲۸) و همچنین در نهاییه (همان، ۱۴۰۰ق، ص ۲۰۳)، به صراحت تخلیه السرب را جزو شروط

محقق استطاعت آورده است. ایشان همچنین در مبسوط (همان، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۰۱) در حکم فرضی که دشمن مسیر حج را بسته است و طی طریق و دفع دشمن جز با پرداخت مال به وی میسر نیست، پرداخت مال را واجب ندانسته و معتقد شده که در این فرض، تخلیة السرب حاصل نیست.

علامه حلی رحمته الله در تحریر (علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۵۵۳) و منتهی، (همان، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۹۹)، تخلیة السرب را به معنای امن بودن طریق، شرط وجوب حج برشمرده و با فرض منع دشمن، وجوب حج را ساقط دانسته است. ایشان همچنین معتقد شده که چنانچه زن در سفر حج، فرد امینی را نیابد و از سفر با همراهان، خائف باشد، وجوب حج مشروط به همراهی محرم می شود و مخارج محرم در صورت نیاز به همراهی، بر عهده زن است و در صورتی که با وجود پرداخت هزینه، محرم از همراهی امتناع ورزد، آن زن مانند کسی است که محرم ندارد و اگر توان پرداخت هزینه اش را ندارد، حج بر او واجب نمی شود (همان، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۹۳).

مقیات حج

شهید اول، ابن فهد حلی و کاشف الغطاء رحمته الله را نیز می توان از فقیهانی شمرد که معتقد شده اند وجود محرم در فرض نیاز به همراهی محرم، شرط تحقق استطاعت است (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۱۵؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۹۵؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۴۸۴).

اگرچه عبارت محقق حلی رحمته الله در شرایع (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۰۲) ظهور دارد در اینکه تمکن از مسیر، شرط استطاعت است، ایشان در کتاب المعترفی شرح المختصر در فرض عدم امکان دفع دشمن جز با پرداخت مال، پرداخت را در صورتی که مستلزم اجحاف بر پرداخت کننده نباشد، واجب شمرده و آن را همانند پرداخت پول برای تهیه وسایل مورد نیاز در حج دانسته است (همان، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۵۴). البته به نظر می رسد حکم دفع دشمن با پرداخت مال، فارغ از استلزام یا عدم استلزام اجحاف، باید مورد بررسی قرار گیرد و همچنین اگر تمکن از مسیر، شرط استطاعت است، باید بدون دخالت مکلف و پرداخت پول فراهم باشد.

فخر المحققین رحمته الله در بحث از امنیت بانوان در حج، همراهی محرم و پرداخت اجرت در صورت نیاز را، از باب وجوب فراهم نمودن مقدمات حج بر بانوی حج گزار، واجب دانسته است (فخر المحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۲۷۱).

شهید اول در دروس هفتمین شرط وجوب حج را تخلیه السرب شمرده و بدون تحقق این شرط، حج را ساقط دانسته است؛ اما در فرضی که دشمن مانع از حج باشد، معتقد شده است پرداخت مال، مادام که مستلزم اجحاف به پرداخت کننده نباشد و در صورت تمکن مالی وی، واجب است (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۱۴).

ایشان در کتاب *غایة المراد فی شرح نکت الارشاد* (همان، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۷۷) پرده از تضاد ظاهری در صدور این دو رأی برداشته، می نویسد: باید تخلیه السرب را تفسیر کرد. اگر این شرط به معنای عدم مانع به طور کلی در طریق حج و با قطع نظر از اختیار و عدم اختیار مکلف باشد، در این فرض، سقوط وجوب حج، قول قوی است؛ اما اگر به معنای امکان سیر در طریق به طور مطلق و از هر روشی باشد، واجب است مال را به دشمن بدهد تا امکان سیر محقق گردد.

در واقع، می توان گفت تردید ایشان به این معنا باز می گردد که آیا شارع از این عنوان، معنای عدمی و نبود مانع را اراده کرده یا مفهوم وجودی امکان پیمایش مسیر مد نظر شارع بوده است. هرچند داوری را باید به بعد از ملاحظه اسناد شرعی مفسر استطاعت موکول کرد، اما در یک نگاه اجمالی به نظر می رسد عنوان «مُخَلَّى» در روایات، به مفهومی عدمی (خالی بودن مسیر از مانع، نه خالی کردن) بازگشت دارد؛ زیرا قانون گذار شریعت، در صدد بیان شرایط و موانعی است که با تحقق آن شروط و نبود موانع، وجوب حج بر عهده مکلف قرار می گیرد و تحقق بخشی به شرایط و برطرف کردن مانع، بر مکلف واجب نیست.

محقق اردبیلی رحمته الله وجوب پرداخت مال برای دفع دشمن را در فرض عدم ضرر بر دافع، بعید ندانسته و فرموده است: «گویا پولی که باید به دشمن بدهد هم جزو مئونه سفر است» (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۶۲).

صاحب مدارك معتقد شده است شرط وجوب حج، تمکن از مسیر است؛ اما تخلیه السرب بالفعل منظور نیست و در بالقوه هم با پرداخت مال مقدور به دشمن، تمکن از مسیر حاصل است و بعد از تحقق شرط، وجوب مطلق می شود و مقدماتش هم واجب می گردد (عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۶۳).

محقق سبزواری در ذخیره، مراد از تخلیه السرب را تمکن از مسیر دانسته است؛ به گونه ای که به شدت و مشقت شدید نینجامد (سبزواری، بی تا، ج ۲، ص ۵۶۲).

صاحب جواهر^{رحمته} اگرچه معتقد است کسی که دشمن مانع او شده، مستطیع نیست، در نهایت بحث فرموده است که اگر با پرداخت پول، امکان دفع دشمن وجود دارد و پرداخت کننده تمکن مالی داشته باشد و دفع مال نیز مستلزم ضرر و قبحی نباشد، پرداخت واجب است و چنین فردی مخلی السرب شمرده می شود (نجفی، بی تا، ج ۱۷، ص ۲۸۸). ایشان همچنین در بحث لزوم و عدم لزوم همراهی محرم، بین همراهی محرم و تحصیل اصل محرم، تفکیک قائل شده و همراهی محرم را از مقدمات وجودی حج دانسته و معتقد شده است که پرداخت اجرت برای به دست آوردن همراه، واجب است (همان، ص ۳۳۰).

محقق یزدی^{رحمته} همراهی محرم را هر چند مستلزم پرداخت اجرت باشد، واجب دانسته و ظاهراً ایشان همراهی محرم را از مقدمات وجودی حج می داند؛ اما در ادامه، تمکن از پرداخت اجرت به محرم همراه را شرط تحقق استطاعت دانسته و درباره تحصیل اصل محرم اظهار تردید کرده است (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۶۷).

به نظر می رسد دیدگاه های فوق نیز خالی از ملاحظه نیست؛ زیرا علاوه بر آنکه باید حکم مسئله را فارغ از تحقق عنوان «ضرر»، «قبح» یا «مشقت» بررسی کرد، دفع مانع و پرداخت مال به دشمن برای فراهم شدن امکان پیمایش مسیر در زمان آینده یا مطالبه همراهی از محرم برای تحقق اطمینان خاطر از امنیت در سفر، همگی به تحصیل شروط یا دفع موانع توسط مکلف بازگشت دارد که این معنا، چنان که بیان شد، با اقتضای قانون گذاری تناسبی ندارد.

محقق خوئی رحمته الله علیه از فقیهانی است که به این ایراد، توجه داشته و درصدد رفع اشکال برآمده است. ایشان همراهی و تحصیل اصل محرم را در صورت نیاز، واجب شمرده و از مقدمات وجودی حج دانسته و فرموده‌اند:

«اگر زن احساس امنیت ندارد، همراهی فرد مورد اطمینان؛ خواه محرم و خواه غیر محرم، با او واجب است... زیرا استطاعت که به خلوص مسیر از مانع و امنیت مسیر تفسیر شده، حاصل است؛ هر چند بر بعضی از مقدمات وجودی؛ مانند بذل مال و مانند آن، متوقف باشد. از این رو، تحصیل این مقدمات مانند تهیه گذرنامه و خرید مایحتاج و مقدمات سفر و دیگر مقدمات وجودی... واجب است و تهیه این امور از قبیل تحصیل استطاعت نیست تا گفته شود تحصیل استطاعت واجب نیست (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۶، ص ۲۲۷).

ایشان همچنین تزویج را برای تحصیل اصل محرم واجب می‌دانند و دلیل آن را اینگونه آورده که در تحصیل مقدمات وجودی، بین مقدمات مالی و غیرمالی، چنانچه مستلزم حرج یا خواری نباشد، فرقی نیست (همان).

به نظر می‌رسد کلام محقق خوئی نیز خالی از ملاحظه نیست؛ زیرا وجوب حج، فرع بر تحقق استطاعت است و اگر استطاعت - به معنای خلوص مسیر از مانع و امنیت مسیر - برای مکلف حاصل است، مکلف چه نیازی به همراهی محرم یا فرد مورد اعتماد یا تزویج برای تحصیل محرم دارد و اگر علت مطالبه همراهی محرم یا فرد مورد وثوق یا تحصیل محرم، تحقق امنیت و اطمینان خاطر از سلامت سفر است؛ یعنی مکلف بدون همراهی محرم، اطمینان خاطر از سلامت و امنیت در سفر ندارد و این یعنی استطاعت برای او محقق نیست.

برخی مراجع معاصر نیز وجوب همراهی محرم را، هر چند با پرداخت اجرت، از باب وجوب تهیه مقدمات حج دانسته و معتقد شده‌اند: اگرچه تخلیه سرب (خالی بودن مسیر از مانع) و امنیت، از مقدمات استطاعت است و تحصیل آن واجب نیست، مفروض این است که مسیر امنیت دارد و کاروان‌ها، با امنیت مسیر را طی می‌کنند و بانوی حج گزار، به دلیل خصوصیتی که دارد، لازم است جز با محرم یا فرد ثقه

و مانند آن به مسافرت نرود. بنابراین، همراهی از مقدمات وجودی سفر حج؛ مانند تهیه گذرنامه و پرداخت عوارض و مالیات برای خروج از کشور و ورود به کشور دیگر به شمار می آید؛ مشروط بر اینکه تهیه مقدمات، مستلزم حرج نباشد (سبحانی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۴۱۴).

ایشان همراهی محرم را مانند پرداخت مال به دشمن برای عبور، به حکم عرف، در زمره مقدمات حج قرار داده و فرموده است:

«اگر خود همراهی محرم را از مقدمات حج بدانیم، تحصیل همراه، ولو با ایجاد محرمیت واجب است. علاوه بر اینکه عرفاً بین توقف تخلیه السرب (خلو مسیر از مانع) بر پرداخت مال برای عبور یا اجاره فردی که از کاروانیان دفاع کند و بین تزویج بانوی حج گزار، فرق است و عرف فقط مورد اول و دوم را از مقدمات واجب می داند. هر چند از مقدمات دانستن مورد سوم، مطابق با احتیاط است» (همان، ص ۴۱۵).

در نقد کلام ایشان نیز می توان گفت که عناوین مأخوذ در لسان ادله، ناظر بر واقع و قطع مکلف یا اطمینان یا حتی ظن وی راهی به سوی رسیدن به این واقع است. بنابراین، در نهایت، باید برای مکلف اطمینان خاطر از نبود مانع در مسیر و تحقق امنیت حاصل باشد تا بتواند به سفر و تهیه مقدمات حج اقدام کند و مادام که مکلف ظن و گمان به امنیت و سلامت خود در پیمودن سفر حج ندارد، مستطیع نیست و فراهم ساختن اسباب حصول قطع نیز بر مکلف واجب نیست و چنان که بیان شد، قانون گذاری شریعت اقتضا دارد شروط و موانع و تکلیف برای مکلف تبیین شود تا وی هر زمان به تحقق آنها علم پیدا کرد، به امتثال تکلیف پردازد. بنابراین، مفروض بودن تحقق امنیت، مادام که مکلف را به قطع و اطمینان نرساند، مثبت تکلیف نیست. در نتیجه، دفع دشمن با پرداخت مال یا مطالبه همراهی محرم یا فرد مورد وثوق نیز بر او واجب نخواهد بود.

از فقیهان متأخر می توان از مرحوم فیروزآبادی نام برد. ایشان در حاشیه بر عروه، در بحث دفع دشمن با پرداخت مال، پرداخت را واجب ندانسته و معتقد شده است که این

مسئله با مسئله منع دشمن از پیمایش مسیر حج، متفاوت است و آنچه از حجاج در طریق مکه گرفته می‌شود، عرفاً از مصارف سفر مکه است؛ به ویژه که امری مرسوم است (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۴۳۱).

محقق بروجردی^{۱۱} در حاشیه بر عروه در بحث وجوب پرداخت مال برای دفع دشمن، معتقد شده که پرداخت مال واجب است؛ مگر اینکه عقلاً بر آن اقدام نکنند و عرفاً فرد، استطاعت سیلی نداشته باشد (همان).

امام خمینی^{۱۲} نیز در حاشیه بر عروه، بین دشمنی که مانع عبور است و دشمنی که مانع نبوده و فقط از هر عابری پول می‌گیرد، تفاوت قائل شده و در فرض اول، عرفاً تخلیه السرب را محقق نمی‌داند (همان).

نقطه اشتراک این دیدگاه‌ها، تمسک به عرف در فهم تحقق عنوان تخلیه السرب است؛ به این معنا که آیا عرف در فرضی که برای دفع دشمن نیاز به پرداخت مال است، عنوان تخلیه السرب را درباره مکلف محقق می‌داند یا خیر؟ پس اگر مراد این دسته از فقها این است که بدانیم مفهوم تخلیه السرب بر این فرض و مصداق، منطبق است یا نه، به عرف رجوع می‌کنیم و... چنین رجوعی اعتبار ندارد؛ زیرا عرف در تطبیق مفاهیم بر مصداق، مرجع نیست. اما اگر مراد آنان این است که برای فهم معنای تخلیه السرب باید به عرف رجوع کرد، با توجه به اینکه این عنوان در اسناد شرعی، مبین شروط استطاعت به کار رفته است، باید فهم عرف زمان صدور روایات را واکاوی کرد و چنین به نظر می‌رسد که عرف آن زمان، با ابهامی در خصوص معنای این عنوان رویه‌رو نبوده و از این حیث، در روایات ما تبیین مفهوم این عنوان از امامان اهل بیت^{علیهم‌السلام} مورد سؤال قرار نگرفته و همین عدم سؤال، قرینه‌ای است بر روشن بودن معنا نزد عرف آن زمان.

علاوه بر اینکه، به فرض اگر بپذیریم این مفهوم برای عرف عصر صدور روایات، روشن بوده و برای ما دارای ابهام است، برای رفع ابهام، تمسک به ظهور لفظ در معنای خالی بودن مسیر و برقراری امنیت، که با مراجعه به لغت حاصل می‌شود، و همچنین

توجه به اقتضائات قانون گذاری در این باره، کافی است و به فرض عدم کفایت، نتیجه این می شود که تحقق عنوان و شرطی از شروط تکلیف، یا فقدان مانعی از تعلق تکلیف در مصداقی خاص (فرض لزوم مطالبه همراهی از محرم یا وجود دشمنی که با دریافت مال از حجاج، امکان طی طریق را برای آنان میسر می سازد) برای مکلف نامعلوم است و همین امر سبب می شود تا وی نتواند تحقق استطاعت در حق خود را احراز کند و در نتیجه، درباره تعلق اصل وجوب حج بر عهده اش تردید پیدا کند و بدیهی است که اصل برائت از تکلیف در این فرض حاکم است و جایی برای احتیاط نیست.

محقق عراقی رحمته الله در بحث پرداخت مال برای دفع دشمن، قائل به تفصیل است. ایشان معتقدند اگر تخلیه السرب را شرط شرعی بدانیم، همانطور که اسناد شرعی نیز در همین مطلب ظهور دارد، تحصیل شرط با دفع مال واجب نیست؛ هر چند مستلزم ضرر نباشد؛ اما اگر این شرط را شرطی عقلی به شمار آوریم، وجوب و عدم وجوب پرداخت، دایر مدار ضرر و حرج در پرداخت است (همان).
به نظر می رسد تفصیل فوق را باید بهترین تفصیل در خصوص مسئله دانست.

تحقیق و بیان رأی مختار

چنان که ملاحظه شد، ابهاماتی که درباره شرط تخلیه السرب وجود دارد، موجب بروز آرای متفاوت از فقها در خصوص فروع زیرمجموعه این شرط شده است. این ابهامات را می توان در قالب سؤالات زیر خلاصه کرد:

- تخلیه السرب، شرط شرعی است یا عقلی؟
- در تعریف و تفسیر تخلیه السرب، باید به عرف رجوع کرد یا به شارع؟
- در تعریف تخلیه السرب، خالی بودن مسیر از مانع بالفعل مراد است یا خلو بالقوه؟
- آیا تخلیه السرب به این معناست که هرگز در راه حج هیچ مانعی نباشد یا به معنای آن است که ممکن بودن سیر در طریق، با توسل به هر روش مجاز است؟
- آیا تخلیه السرب، به معنای تمکن مکلف از مسیر است؛ به طوری که عرفاً دچار

شدت و مشقت شدید نشود یا هیچ مشقتی غیر از مشقت معمول در سفر نباید وجود داشته باشد؟

- اگر دشمن مانع سیر و رفتن باشد، منع دشمن موضوعیت دارد یا صرف تقاضای وجه هم باعث عدم صدق عرفی تخلیه السرب است؟
- پرداخت مال به دشمن برای باز کردن راه و مسیر حج، در حکم هزینه کردن برای تهیه وسایل مورد نیاز حج است یا در حکم تحصیل مال برای مالک شدن زاد و توشه حج؟

به نظر می‌رسد در پاسخ به این سؤالات و برای رفع ابهامات مطرح شده، لازم است ابتدا بررسی شود که شرط «تخلیه السرب»، شرعی است یا عقلی و چنانچه شرعی است، شارع تفسیری از آن ارائه کرده یا خیر؟ واضح است اگر در بررسی اسناد مبین شرایط وجوب حج و استطاعت، معلوم شود که این عنوان شرعی است، لازم است نظر شارع را در تفسیر آن جویا شویم. در این بین، اگر مقصود شارع از این عنوان روشن و قابل دستیابی باشد، نیازی به مراجعه به عرف نیست؛ اما اگر شارع تفسیری را ارائه نکرده، باید به فهم عرف عصر صدور مراجعه کرد. البته همان گونه که بیان شد، به نظر می‌رسد معنای این شرط، نزد عرف زمان صدور روایات دارای ابهام نبوده و از همین رو، برای فهم آن پرسشی از معصومین علیهم السلام صورت نگرفته است. پس باید این واژه را بر همان معنای ظاهری و متبادر به ذهن از آن حمل کرد؛ یعنی خالی بودن مسیر و راه از هرگونه مانعی که باعث می‌شود مکلف نتواند حج خود را انجام دهد. اما اگر معنا روشن نباشد یا در فرض معلومیت معنا، در تطبیق این عنوان بر مصداق تردید وجود داشته باشد، نظر عرف عام زمان حاضر نمی‌تواند ملاک قرار گیرد.
به هر روی، لازم است قبل از ورود به بحث، شرعی بودن این شرط در اسناد مفسر و مبین استطاعت واکاوی شود.

اسناد شرعی مفسر استطاعت

مطابق با آیه شریفه ﴿...وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...﴾ (آل عمران: ۹۷) و با توجه به اینکه کلمه «سَبِيلًا»، تمیز برای فعل «اسْتَطَاعَ» است و منظور از آن

را مشخص می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ص ۳۵۵)،^۱ هر کس توان و استطاعت لازم در پیمایش مسیر و رسیدن به مکه و انجام اعمال و مناسک حج را دارا باشد، حج بر او واجب است. مطابق با روایات رسیده در تفسیر آیه شریفه، این استطاعت، بر اموری متوقف است که از آنها دارا بودن مال برای مخارج سفر و اداره زندگی پس از بازگشت، سلامت و تندرستی برای قدرت داشتن بر پیمایش مسیر و انجام اعمال و خالی بودن مسیر از مانع به معنای اطمینان خاطر از امنیت و سلامت سفر است.^۲

تتبع و بررسی در این اسناد در خصوص شرط امنیت، بیانگر این است که شارع با عباراتی همچون «لم یمنعه سلطان» و «مُخَلَّى سَرْبُهُ»، به بیان این نوع استطاعت پرداخته است.

بدیهی است هنگامی که قانون‌گذار شریعت در صدد بیان شروط و موانع تعلق تکلیف بر عهده مکلف است، این معنا به ذهن می‌رسد که با فراهم شدن شروط مد نظر شارع و فقدان موانع تعلق و وجوب، تکلیف بر عهده مکلف قرار می‌گیرد. در

ملاقات

۱. «قوله: سبيلاً تمييز من قوله: استطاع».

۲. (أ) أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ ذَرِيحِ الْمُخَارِبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يُحِجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ لَمْ يَمْنَعَهُ مِنْ ذَلِكَ حَاجَةٌ تُجْحِفُ بِهِ أَوْ مَرَضٌ لَا يَطِيقُ فِيهِ الْحَجَّ أَوْ سُلْطَانٌ يَمْنَعُهُ فَلْيَمْتِ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا» (كليني، ۱۳۶۵ ش، ج ۴، ص ۲۶).

(ب) مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الطُّوسِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَاللَّهُ عَلَى النَّاسِ حَجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾. قَالَ: «هَذِهِ لِمَنْ كَانَ عِنْدَهُ مَالٌ وَصِحَّةٌ وَإِنْ كَانَ سَوْفَهُ لِلتَّجَارَةِ فَلَا يَسَعُهُ وَإِنْ مَاتَ عَلَى ذَلِكَ فَقَدْ تَرَكَ شَرِيعَةً مِنَ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ إِذَا هُوَ يَجِدُ مَالًا يُحِجُّ بِهِ» الْحَدِيثُ (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۱، ص ۲۵).

(ج) وَفِي كِتَابِ التَّوْحِيدِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ - عَمَزَ وَحَمَلٌ - : ﴿وَاللَّهُ عَلَى النَّاسِ حَجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ مَا يَعْنِي بِذَلِكَ قَالَ: «مَنْ كَانَ صَحِيحًا فِي بَدَنِهِ مُخَلَّى سَرْبُهُ لَهُ زَادٌ وَرَاحِلَةٌ» (همان، ص ۳).

محل گفت‌وگو نیز این عبارات، در بیان شروط و موانع تکلیف ظهور دارند و این معنا به ذهن تبادر می‌یابد که اگر حاکمان جور از هر طریق، مانع حج‌گزاری نشوند و راه رفتن و رسیدن به سرزمین وحی از هر گونه عامل بازدارنده خالی باشد، حج بر عهده مکلف قرار می‌گیرد. بنابراین، مکلفی که استطاعت مالی و بدنی دارد، باید اطمینان یابد که وقتی به حج‌گزاری اقدام می‌کند، مانعی از انجام تکلیف پیش رو ندارد. از این رو، با فرض وجود دشمنی که از عبور کنندگان مطالبه مالی دارد یا خوف بر جان و مال و آبرو در مورد بانویی هست که اراده حج‌گزاری دارد، نمی‌توان استطاعت سیلی و خالی بودن مسیر از هر مانعی را درباره مکلف محقق دانست.

بله، ممکن است گفته شود مسئله امنیت با دو مسئله دفع دشمن با پرداخت مال یا مطالبه همراهی محرم یا فرد مورد وثوق، تفاوت دارد و این دو هرگز ارتباطی با امنیت ندارند؛ به این معنا که مکلف اطمینان خاطر از امنیت دارد، اما باز همراهی محرم را مطالبه می‌کند تا اندک خوفی نیز در طی مسیر نداشته باشد و به عبارتی، مطالبه همراهی از محرم، همان تحصیل مؤمن است و مانند این است که مکلف بعد از قطع به تحقق استطاعت مالی، به تهیه اسباب و لوازم سفر اقدام کند. همچنین پرداخت مال به دشمن، همانند پرداخت عوارض ورود به عربستان یا پرداخت هزینه تهیه مجوز ورود به این کشور است که پس از قطع به تحقق امنیت، از مقدمات وجودی حج به شمار می‌آید و اقدام به آن، مشروط بر اینکه مستلزم ضرر، مشقت یا اجحاف بر مکلف نباشد، واجب است.

در این صورت باید گفت:

اولاً: تحصیل مؤمن با تهیه اسباب و لوازم سفر، تفاوت دارد؛ زیرا بدون تهیه زاد و توشه، امکان سفر وجود ندارد؛ در حالی که اگر مکلف به امنیت مسیر اطمینان دارد، طی طریق برایش ممکن است و مطالبه همراهی از محرم یا فرد مورد وثوق، فقط برای برطرف شدن خوف از پیدایش خطرهای احتمالی است و مطابق روایات، صرف خوف از احتمال وقوع خطر در سفر حج، قابل

اعتنا نبوده، مانع از تعلق تکلیف نیست.^۱

ثانیاً: مقایسه کردن پرداخت پول به دشمن برای دفع منع او از پیمایش مسیر، ماهیتاً با دفع مال به حکام عربستان برای دریافت مجوز ورود و انجام حج، متفاوت و این قیاس، مع الفارق است؛ زیرا هدف دشمن مانع، صرفاً باج خواهی است و مال دریافتی، به هیچ وجه در مصالح حجاج مصرف نمی شود؛ بلکه پرداخت آن فقط برای دفع شرّ دشمن است. بنابراین، هرگونه پرداخت وجهی برای خالی کردن مسیر از مانع، تحصیل شرط و جوب شمرده می شود؛ به خلاف مبالغی که نوعاً حکام کشورها در زمان حاضر برای ارائه خدمات و استفاده فرد از امکانات کشور مقصد دریافت می کنند.

نتیجه گیری

مطابق اسناد شرعی مفسر استطاعت و به ویژه با ملاحظه عباراتی چون «لم یمنعه سلطان» و «مُخَلَّى سِرْبِهِ» در کنار دیگر شروط مفسر استطاعت، روشن شد:

۱. استطاعت سربی و امکان سیر، شرط شرعی است نه عقلی؛ زیرا عقلاً امکان انجام حج با فرض نبود برخی از این شروط وجود دارد. همچنین اگر استطاعت عقلی در مورد شروط و جوب حج ملاک بود، باید حج فاقد شرایط، در همه صور مجزی می بود؛ در حالی که مطابق روایات و فتوای فقها، دست کم در برخی صور، حج فاقد شرایط، مجزی از حجة الاسلام نیست.^۲

۱. کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۲، ص ۲۸۲؛ صحیحہ معاویة بن عمار: «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْمَرْأَةِ تَحُجُّ إِلَى مَكَّةَ بِغَيْرِ وَلِيٍّ؟ فَقَالَ: لَا بَأْسَ تَخْرُجُ مَعَ قَوْمٍ ثِقَاتٍ» (صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۴۳۸).

۲. حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۱، ص ۱۵۴؛ صحیحہ عبدالرحمن بن حجاج: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْمَرْأَةِ تَحُجُّ بِغَيْرِ مُحْرَمٍ؟ فَقَالَ: إِذَا كَانَتْ مَأْمُونَةً وَلَمْ تَقْدِرْ عَلَى مُحْرَمٍ فَلَا بَأْسَ بِذَلِكَ».

۲. برای نمونه، ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۴، ص ۲۷۳؛ «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ

۲. عبارت «مُخَلِّي سَرْبُهُ»، ظهور دارد در اینکه ملاک در استطاعت سبیلی، خالی بودن بالفعل مسیر از مانع است نه امکان خلو با هر روش مجاز و به عبارتی، امکان سیر باید برای مکلف فراهم باشد نه اینکه خود او این امکان را برای خود فراهم سازد. همچنین عبارت «لم يمنع سلطان» ظهور دارد در اینکه ممانعت، موضوعیت دارد و فقط با نبود منع فعلی دشمن، استطاعت حاصل می‌شود و برطرف کردن مانع، هر چند با پرداخت مال، تحصیل استطاعت و غیر واجب است. در نتیجه، تفصیل بین دشمن مانع و دشمنی که فقط از حجاج مطالبه مالی دارد، مورد مناقشه است و تفصیل صحیحی در مسئله مورد گفت‌وگو به نظر نمی‌رسد؛ زیرا دشمنی که فقط مطالبه مالی دارد نیز در صورت استتکاف حجاج از پرداخت مال، از پیمایش مسیر ممانعت می‌ورزد.

۳. لزوم یا عدم لزوم پرداخت مال به دشمن برای تحقق بخشی به امکان سیر و پیمایش مسیر، فارغ از اینکه مستلزم ضرر یا اجحاف یا مشقت شدید بر دافع است یا نه، باید مورد لحاظ و بررسی قرار گیرد.

۴. بانویی که قصد انجام حج دارد، باید اطمینان عقلایی به محقق بودن امنیت خود در مسیر و در طول انجام مناسک پیدا کند تا وجوب حج برعهده‌اش قرار گیرد. بنابراین، مطالبه همراهی از محرم یا هر فرد مورد وثوق، در مورد بانویی که از استطاعت مالی و بدنی برخوردار است، تحصیل شرط استطاعت شمرده می‌شود و غیر واجب است. بله، چنانچه خود محرم، به صورت داوطلبانه بخواهد با حج گزار همراه شود یا وی بداند برای انجام مناسک حج با کاروانی متشکل از افراد مورد وثوق همراه است یا مانند امروز، سفر به حج، به صورت نام‌نویسی در کاروان‌هایی باشد که با

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: لَوْ أَنَّ رَجُلًا مُعْسِرًا أَحَجَّهُ رَجُلٌ كَانَتْ لَهُ حَجَّةٌ فَإِنْ أَيْسَرَ بَعْدُ كَانَ عَلَيْهِ الْحُجُّ...».

همچنین ر.ک: سبحانی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۳۱۶؛ «... فلان تخلیه السرب و صحه البدن أخذ فی موضوع وجوب الحج، فالحج مع فقد الأمن و المرض، كالحج متسكعا، فلايجزى عن الواجب...».

حمایت دولت بوده و حکومت اسلامی متعهد به تأمین امنیت زائران است، قطع یا اطمینان به امنیت برای مکلف حاصل می‌شود و وی مستطیع به شمار می‌آید. بنابراین، اینکه همراهی محرم برای وجوب حج را مقدمه وجودی انگاریم، صحیح نیست و اگر برخی فقها وجود محرم را شرط تحقق استطاعت دانسته‌اند، از این باب بوده است که غالباً با علم به وجود همراه محرم در سفر حج، قطع به امنیت و در نتیجه، استطاعت برای بانوان حاصل می‌شود.

۵. اگرچه تأمین امنیت در صورتی که مستلزم پرداخت مال به دشمن هرچند اندک باشد، تحصیل شرط وجوب محسوب می‌شود و واجب نیست و مکلف مستطیع شمرده نمی‌شود، اگر حاکم جامعه اسلامی بنا بر مصالحی؛ مانند جلوگیری از تعطیلی حج، برای تأمین امنیت حجاج مبالغی را به حکام عربستان پردازد، امنیت حاصل و استطاعت برای مکلف محقق است؛ مشروط بر اینکه هزینه پرداختی برای تأمین امنیت، از بیت‌المال مسلمین باشد و در هزینه‌های جاری و لازم برای حجاج، لحاظ و محاسبه نشود؛ و الا تحصیل شرط به شمار می‌رود و وجوب پرداخت ندارد و در نهایت، استطاعت برای مکلف حاصل نیست و دریافت این مبلغ، غیر از هزینه‌های اخذشده برای ارائه خدمات به زائران در کشور عربستان تحت عنوان روادید و مانند آن است.

میقات حج

منابع

* قرآن کریم.

۱. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. حلی (فخر المحققین)، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷ق)، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، چاپ اول، قم، انتشارات مؤسسه اسماعیلیان.
۳. حلی (ابن فهد)، جمال‌الدین احمد بن محمد اسدی (۱۴۰۹ق)، الرسائل العشر، چاپ اول، قم، انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی.

۴. حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۲ق)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، چاپ اول، مشهد، انتشارات مجمع البحوث الاسلامیه.
۵. حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق)، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، چاپ اول، قم، انتشارات مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۶. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۷. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۷ق)، المعتبر فی شرح المختصر، قم، مؤسسه سید الشهداء.
۸. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق)، موسوعة الامام الخویی، چاپ اول، قم، انتشارات مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
۹. سبحانی، جعفر (۱۴۲۶ق)، الحج فی الشریعة الاسلامیه الغراء، چاپ اول، قم، انتشارات مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۰. سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن (بی تا)، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، بی جا، بی نا.
۱۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق)، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، چاپ دوم، بیروت، انتشارات دار الکتب العربی.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ش)، الجمیل و العقود فی العبادات، چاپ اول، مشهد، دانشگاه فردوسی.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، چاپ سوم، تهران، المكتبة المرتضویه.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم، انتشارات آل البیت.
۱۷. عاملی، محمد بن علی موسوی (۱۴۱۱ق)، مدارک الاحکام، چاپ اول، بیروت، انتشارات آل البیت.

۱۸. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی (۱۴۲۰ق)، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش)، کافی، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. مکی عاملی (شهید اول)، محمد (۱۴۱۴ق)، غایة المراد فی شرح نکت الارشاد، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. مکی عاملی (شهید اول)، محمد (۱۴۱۷ق)، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. نجفی، محمد حسن (بی تا)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت، انتشارات دار احیاء تراث عربی.
۲۳. یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۹ق)، عروة الوثقی (محشی)، چاپ اول، قم، انتشارات جامعه مدرسین.